

اعاده حیثیت و آثار آن بر متهم

حسین شیری

شهرستان چاراویماق

5195shiri@gmail.com

چکیده

اعاده حیثیت قضایی و قانونی که تدبیری برای تسهیل حضور محکوم در جامعه و اعمال رأفت نسبت به اوست با محور سابقه محکومیت کیفری از سجل (شناسنامه) قضایی شخص، مجازاتهای تبعی مترتب بر محکومیت کیفری را ساقط کرده و حقوق سیاسی و اجتماعی شخص را به او باز می گرداند. همچنین امکان برخورداری شخص را از پاره ای امتیازات قانونی چون آزادی مشروط که بهره مندی از آنها منوط به فقدان سابقه محکومیت کیفری است فراهم می کند. ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی، تلاشی در خور اما ناقص برای استقبال از تأسیس اعاده حیثیت قانونی است که با پذیرش برخی از آثار اعاده حیثیت، نهاد «اعاده حقوق اجتماعی به محکوم» را تداعی می کند و نیازمند بازنگری و اصلاح است.

واژه‌های کلیدی: سقوط مجازاتهای تبعی، اعاده حقوق سیاسی و اجتماعی به محکوم

۱- مقدمه

اصولاً با صدور حکم قطعی کیفری علیه مجرم، آثاری ایجاد می شود که «اعتبار امر مختومه کیفری» و لازم الاجرا شدن حکم کیفری و در نتیجه اجرای همه مجازاتهای مندرج در حکم محکومیت (اصلی و تکمیلی) یا مقرر شده در قانون (تبعی) از زمره آنهاست. همچنین محکومیت کیفری می تواند سبب درج سابقه کیفری محکوم در شناسنامه (سجل) کیفری او شود و به تشدید مجازات مرتکب یا محرومیت او از پاره ای امتیازات (همچون عدم استفاده از آزادی مشروط) در صورت ارتکاب جرم مجدد منتهی شود.

نمی توان انکار کرد که محکومیت کیفری دارای آثار اجتماعی ناخوشایندی برای محکوم است که سلب یا تضعیف شأن موقعیت اجتماعی او از زمره آنهاست و چه بسا کسب و تحصیل آبروی از دست رفته خصوصاً در جوامع شهری کوچک نیازمند سالها مدارا و رنج است. همچنانکه محکومیت کیفری یک شخص به دلیل اشتباه قاضی با توجه به اتهام فردی غیر مقصر و بی گناه به دلایلی چون تبانی شهود و اغفال دادرس، آثار مخرب اجتماعی و روانی برای متهم و محکوم بی گناه ایجاد می کند که سیمای عدالت جزایی را مخدوش و اعتماد عمومی به دستگاه عدالت و اعتبار آن را به چالش می کشد.

از شایسته ترین تدابیری که برای رفع یا تقلیل آثار ناخوشایند گفته شده در ادبیات حقوقی ما نیز مطرح شده «اعاده حیثیت» است که ضمن تبیین مفاهیم مختلف آن، مبانی، شرایط و آثار مفهوم مختارمان را تشریح می کنیم.

مفهوم اعاده حیثیت

اعاده حیثیت به لحاظ لغوی از دو کلمه عربی «اعاده» و «حیثیت» ترکیب یافته است که اعاده به معنای بازگرداندن (معین، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۳۴) و حیثیت به معنای اعتبار و آبرو (همان، ۳۹۴) است و گفته شده است اعاده حیثیت «بازگشت به اهلیتی

است که شخص به علتی آن را از دست داده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳ : ۵۹). معادل اصطلاح اعاده حیثیت در زبان عربی عمدتاً کلمات «رد الاعتبار» و «اعاده الاعتبار» و معادل انگلیسی آن Rehabilitation به معنای اعاده حیثیت یا اعتبار است (فرهنگ حقوقی، ۱۳۸۳ : ۶۵).

در ادبیات حقوقی، اعاده حیثیت به مفهوم واحدی استعمال نشده است، به طور کلی در مقررات و متون حقوقی، اصطلاح مزبور در دو مورد به کار رفته است:

۱- تدبیری برای بازگشت شأن و آبروی مخدوش شده شخص متعاقب اقدام عمدی شریانه و یا حداقل خطایی (غیرعمدی) دیگری. در این حالت اعاده حیثیت در چهره یک ضمانت اجرا و خصوصاً از مصادیق یک جبران خسارت معنوی با اقدام تأمینی ظاهر می شود، زیرا صیانت از حیثیت اشخاص حسب موازین اسلامی و قانون اساسی (اصل ۲۲) یک ارزش عالی و اساسی است. ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی در راستای پیش بینی اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرر می دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت اقدام شود».

ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می دارد: «هر کسی به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه. علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود».

طرقی که در موارد مزبور برای اعاده حیثیت انتخاب می شود یکسان نیست ولی در برخی موارد با دخالت مقام قضایی صالح، درج حکم در جراید و مطبوعات یکی از شیوه های منطقی برای اعاده حیثیت است: چنانکه ماده ۲۷ قانون حمایت مؤلفان و مصنفان (هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱). ذیل ماده ۱۷ قانون اقدامات تأمینی و ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی در امور کیفری به این شیوه اشاره دارد. ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی مصوب (۱۳۳۹/۲/۷) نیز همین راه حل را تجویز کرده است.

۲- در مفهوم دیگر اعاده حیثیت، تأسیسی حقوقی است که با الغای محکومیت از سجل قضایی (کیفری) شخص، باعث سقوط مجازات تبعی و زوال محکومیت کیفری شده و حقوق موقعیت های قانونی را به شخص باز می گرداند. بنابراین با نیل شخص به اعاده حیثیت آثار محکومیت سابق ملغا و او همانند یک ناکرده بزه و شهروند عادی، اهلیت اجرای تمامی حقوق اجتماعی و سیاسی خود را باز می یابد.

در این مقاله، ما مفهوم اخیر از اعاده حیثیت را اختیار کرده ایم.

پیدایش و گسترش اعاده حیثیت

اعاده حیثیت به مفهومی که گفته شد از حقوق انسانی و مشروع هر شخصی است که قبلاً گامی در راه کژی و جرم نهاده و مایل است با کمک جامعه و دید باز راه صواب را در آینده بپیماید ولی به نظر می رسد این نهاد در نظام حقوقی ایران، تحت تأثیر حقوق خارجی (فرانسه) پیش بینی و اجرا شده است. در کشور فرانسه به موجب قانون آیین دادرسی کیفری، اعاده حیثیت دارای خصیصه اداری بود و مقامات اداری پس از جلب نظر مقامات قضایی (دادگاه استیناف محل اقامت محکوم) محکوم را مشمول اعاده حیثیت می کردند و در نتیجه آن تمامی عدم اهلیت های محکوم زایل می شد ولی بعداً این تأسیس که ابتدائاً به مجازاتهای جنایی محدود بود دارای خصیصه قضایی شد (اعاده حیثت قضایی) و به علاوه به تمام محکومیت های مندرج در سجل کیفری از جمله محکومیت های جنحه ای تسری یافت. همچنین به جای آن که فقط عدم اهلیت های ناشی از

محکومیت را زایل کند، محکومیت جزایی و اثر آن را از بین می برد. پس از اعاده حیثیت هم در مورد تکرارکنندگان جرم و هم محکومانی که مجازات آنها مشمول مرور زمان شده بود، توسعه یافت و نهایتاً در پایان قرن نوزدهم و به موجب قانون ۵ اوت ۱۸۹۹ فرانسه، اعاده حیثیت قانونی نیز مورد توجه و قبول قرار گرفت و نظام حقوقی فرانسه، از هر دو تأسیس اعاده حیثیت قضایی و قانونی برخوردار شد (علی آبادی، ۱۳۶۸: ۴۱۲/۲ - ۴۲۲ و استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۸۹۷/۲ - ۹۰۴).

اصولاً اعاده حیثیت در بسیاری از نظام های حقوقی مثل فرانسه، لبنان، سوریه، لیبی و ... به دو نوع قابل تقسیم است. به عبارت دیگر شیوه های اعطای اعاده حیثیت دو گونه است:

۱- اعاده حیثیت قضایی

۲- اعاده حیثیت قانونی

که هر یک را به اختصار توضیح می دهیم.

الف - اعاده حیثیت قضایی :

در این روش هر محکوم از دادگاه صالح، صدور حکم بر اعاده حیثیت خود را مطالبه می کند و دادگاه پس از بررسی در صورت صلاحدید به اعاده حیثیت حکم خواهد داد. شرایط اعطای این نوع از اعاده حیثیت در همه کشورها یکسان نیست و در حقوق موضوع فرانسه مهمترین شرایط آن عبارتند از:

۱- اجرای کامل مجازات مورد حکم یا عفو خصوصی و یا شمول مرور زمان^۱؛ بنابراین محکومی که مجازات او به دلیل تعلیق اجرا نمی شود، در ایام تعلیق نمی تواند از امتیاز مزبور (اعاده حیثیت) برخوردار شود.

۲- سپری شدن مهلت های پیش بینی شده در قانون و یا تحقق مرور زمان اجرای مجازات. مهلت های مزبور برای محکومیت های خلافی، جنحه ای و جنایی به ترتیب یک، سه و پنج سال است. این مهلت برای کسانی که مرتکب تکرار جرم می شوند و یا کسانی که قبلاً یک بار از اعاده حیثیت استفاده کرده اند دو برابر می شوند. برای مجازات های سالب آزادی این مدت از تاریخ آزادی قطعی و یا آزادی مشروط فسخ نشده اجرا می شود. اگر محکومیتی اجرا نشود و مشمول مرور زمان گردد، مدت های مزبور دو برابر می شود به این شرط که ثابت کند در مدت مزبور، به علت ارتکاب جنحه و جنایت محکوم نشده است. محکومی که خدمات عالی برای کشور انجام داده است ممکن است از برخی معافیت ها در این مورد برخوردار شود (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۸۹۸ - ۹۰۲ و زراعت، ۱۳۸۴: ۳۱۵).

در این موارد شخص درخواستی را به دادستان شهرستان محل اقامت خود تسلیم می کند و بعد از تحقیق دادستان و از جمله جلب نظر قاضی اجرای مجازات، پرونده به دادستان استان ارسال و از این طریق به دادگاه صالح (شعبه تحقیق دادگاه استان) احاله می شود تا دادگاه با ملاحظه رفتار محکوم مبادرت به صدور رأی کند. دادگاه می تواند این درخواست را رد کند ولی نمی تواند آن را تنها به دلیل شدت اعمالی که شخص مرتکب شده، رد کند. این درخواست (اعاده حیثیت)، مختص اشخاص حقیقی نیست و شامل اشخاص حقوقی هم می شود (معینی: ۸۳۳).

در قوانین کیفری ایران، این نوع از اعاده حیثیت را فقط می توان در لایحه شماره ۱۳۹۴/۳۸۳۸ سال ۱۳۱۸ که از طرف وزارت عدلیه تهیه و به مجلس شورای ملی پیشنهاد شد، ملاحظه کرد. به موجب ماده ۱۶ لایحه مزبور «نسبت به محکومانی که مجازات اصلی و یا اسقاط آن گذشته و مستمراً رفتار پسندیده از آنها به ظهور رسیده باشد، به تقاضای محکوم علیه حکم به اعاده حیثیت داده می شود».

^۱ مرور زمان، در این حالت اجرای فرضی مجازات تلقی می شود.

ب - اعاده حیثیت قانونی :

اعاده حیثیت قانونی بدون مداخله دادرس و بعد از تحمل مجازات تبعی، به عنوان یک حق به محکوم اعطا خواهد شد و با آن اصولاً محکومیت کیفری و آثار آن زایل شده و شخص میتواند کلیه حقوق اجتماعی خود را باز یابد، شروط اصلی اعطای آن همانند اعاده حیثیت قضایی در برخی از کشورها عبارتست از:

۱- سپری شدن مدت زمان معینی بعد از اجرای مجازات

۲- عدم ارتکاب جرم جدید

در برخی از کشورها مدت زمان لازم برای اعطای اعاده حیثیت قانونی حسب نوع محکومیت جنایی یا جنحه ای و همچنین حسب آن که محکوم شخص حقیقی یا حقوقی است، متفاوت است. قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ مواد ۵۶- ۵۹ را به اعاده حیثیت قانونی اختصاص داده و آن را در مورد جرایم عادی و سیاسی پیش بینی و نسبت به جرایم سیاسی ارفاق بیشتری را مقرر می کرد. پس از آن قانون اصلاح قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ طی مواد ۵۷ و تبصره یک آن و ماده ۵۸ به اعاده حیثیت قانونی، تصریح و حسب محکومیت شخص به واسطه ارتکاب جرایم عادی یا سیاسی، شرایط نسبتاً متفاوتی را پیش بینی می کرد و ما به سبب نسخ صریح مقررات مزبور به موجب ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی از تشریح جزئیات آن صرف نظر می کنیم.

۳- مبانی و آثار

محکومیت کیفری اصولاً وجهه و حیثیت اخلاقی و اجتماعی مجرم را از میان می برد و ترمیم آن چهره آسیب دیده، نیازمند سالها ریاضت و خویشتن داری و حرکت بر مدار اخلاق و موازین قانونی است و دور از انتظار نیست که خصوصاً برخی از تبهکاران حتی با انطباق رفتار خود با قانون هرگز حیثیت اجتماعی از دست رفته خود را باز نیابند. همچنانکه نمی توان امیدوارانه اصلاح برخی از محکومان را پس از تحمل مجازات نظاره کرد. با وجود این هماهنگ با موازین اخلاقی، برخوردار کردن محکوم از امتیاز اعاده حیثیت و بهره مندی او از حقوق اجتماعی یک ضرورت و متکی به دلایل زیر است:

الف - با تحمل محکومیت کیفری و انقضای مدتی پس از آن و عدم ارتکاب جرم مجدد، فرض می شود که محکوم اصلاح شده است و دارای حالت خطرناک نیست (استفانی و دیگران ، ۱۳۷۷ : ۸۹۸ - ۹۰۲) و بر این اساس ادامه محرومیت شخص از پاره ای حقوق اجتماعی و سیاسی خلاف عدالت است.

ب - اصلاح شخص پس از تحمل محکومیت کیفری و بروز رفتارهای شایسته از ناحیه وی، جامعه را مکلف می کند که مستند به اصل تساوی مردم در برابر قانون، محکوم را از فرصتهای برابر با سایر افراد برخوردار می کند و ضمن بهره مند کردن او از حقایق اجتماعی و سیاسی، زمینه حضور و فعالیت موفق شخص را در جامعه فراهم سازد.

ج - اعاده حیثیت به محکوم نوعی ابراز اغماض و رأفت است و با انسان دوستی منطبق می شود و از احترام و اعتماد به شأن و کرامت ذاتی انسان سرچشمه می گیرد که حتی پس از تحمل مجازات از آن برخوردار است.

د - اعاده حیثیت با هدف والای حقوق کیفری از مجازات، یعنی اصلاح مجرم، هماهنگ است. به علاوه دفاع از جامعه تنها با طرد مجرم امکان پذیر نیست و جامعه با اعاده حیثیت به محکوم گام مهمی در راه پیشگیری از جرم بر می دارد، زیرا فردی که به خاطر لکه ننگین گذشته همواره در محرومیت است، درصدد انتقام از جامعه بر می آید و ارتکاب جرم یک واکنش نامبارک از ناحیه او است.

ه - نهاد اعاده حیثیت سنخیتی قابل توجه با نهاد توبه در حقوق اسلامی دارد، زیرا مجرمی که مجازات در مورد او اجرا شده و نقش تنبه آمیزش را ایفا کرده است و او را مصمم کرده که از گذشته سیاه خود فاصله بگیرد و در مسیر اصلاح و رفتار پسندیده حرکت کند. به سان فردی پشیمان تلقی می شود که مشمول لطف الهی است و جامعه نیز نباید او را از امتنان و رأفت خود

محروم کند بلکه باید امکان زندگی عادی را در میان مردم، ضمن برخورداری از تمام حقوق و امتیازات قانونی برای او فراهم کند.

اعاده حیثیت که به اتکای دلایل مزبور مورد پذیرش نظام های عدالت کیفری قرار گرفته است دارای آثار زیر است:

۱- سقوط مجازات های تبعی

۲- محو سابقه محکومیت کیفری از سجل کیفری

۳- از بین رفتن آثار سابقه محکومیت

۴- برخورداری شخص از پاره ای امتیازات

ج- اعاده حیثیت در نظام حقوقی ایران

اعاده حیثیت که تدبیری مناسب به منظور فراهم کردن زمینه حضور و فعالیت موفقیت آمیز محکوم در جامعه است مورد توجه مقررات کیفری ایران قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ قرار گرفت تا آنجا که قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ شرایط آسانتری را برای محکومان سیاسی تمهید کرد، اما اولین قوانین جزایی ایران پس از انقلاب به این نهاد نپرداخت و این سؤال را باقی گذاشت که آیا محکومان سرانجام به اعاده حیثیت نایل می آیند یا خیر؟!

این نظریه که در حقوق جزای اسلامی، مجرم پس از اجرای مجازات، به اعاده حیثیت نایل می آید نیز مانع نشد که قانون موسوم به «محکومیت های مؤثر کیفری» که ثمره آن برقراری آثار و تبعات دائمی در مورد برخی محکومان بود. در سال ۱۳۶۶ تصویب نشود تا این که در سال ۱۳۷۷ قانون گذار با وضع ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی در راه احیای نهاد اعاده حیثیت گام نهاد. به موجب ماده مزبور محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح زیر محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می کند و پس از انقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می گردد:

۱- محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد، پنج سال از اجرای حکم

۲- محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم

۳- محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم

در اینجا برای بررسی جایگاه نهاد اعاده حیثیت به محکوم در نظام حقوقی ایران، آثار محکومیت و شرایط و آثار رفع اثر از محکومیت کیفری را بر پایه مقررات جاری تبیین می کنیم.

۱- محکومیت کیفری

به استناد ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی، فقط پاره ای از محکومیتها به سلب حقوق اجتماعی محکوم منجر می شود و این موارد به سه نوع محکومیت به ترتیب زیر محدود است:

الف - محکومیت به قطع عضو در جرایم مشمول حد مثل قطع عضو در مقام اجرای حد سرقت و محاربه که محکوم را برای مدت پنج سال از حقوق اجتماعی محروم می کند. بنابراین قطع عضو اگر در مقام اجرای مجازات قصاص باشد، مشمول ماده مزبور نمی شود.

ب - محکومیت به شلاق در جرایم مشمول حد نیز یک سال محکوم را از حقوق اجتماعی محروم می کند. در این صورت اولاً محکومیت به دلیل ارتکاب جرایم مشمول حد است و ثانیاً محکومیت فقط به مجازات شلاق محدود شده و شامل سایر محکومیت های حدی نیست.

ج - محکومیت به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال شخص را از حقوق اجتماعی محروم می کند. حسب منطوق بند ۳ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی، محکومیت مورد نظر به مجازات حبس بیش از سه سال و مجازات تعزیری نه بازدارنده

منحصر شده است و معلوم نیست چه خصوصیتی در محکومیت‌های حبس تعزیری بیش از سه سال موجب عدم تصریح به محکومیت‌های بازدارنده مشابه شده است.

۲- محرومیت از اعمال حقوق اجتماعی

گفته شد که محکومیت‌های ذکر شده در ماده ۶۲ مکرر به تصریح ماده مزبور حقوق اجتماعی را از شخص سلب می‌کند. در تعریف حقوق اجتماعی گفته اند: «در معنی محدود به حقوقی گفته می‌شود که فرد آن را به عنوان این که عضو جامعه است و با فعالیت شخصی و حرفه ای خود و یا بکارگیری دارایی خود در اجتماع تأثیر می‌گذارد دارا می‌باشد مانند حق مالکیت، حق کسب و کار و...»

یا گفته شده حقوق اجتماعی حقوقی است که مقنن برای اتباع خود در روابط با مؤسسات عمومی مقرر داشته است مانند حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس و در هیأت منصفه و...

تبصره ۱ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی صراحتاً در تبیین مفهوم حقوق اجتماعی مقرر داشته است: «حقوق اجتماعی عبارتست از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به وجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد از قبیل:

الف - حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری
ب - عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراهای جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند.

ج - عضویت در هیأت‌های منصفه و امانا

د - اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری

هـ - استخدام در وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی، شرکتها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداریها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی

و - وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری

ز - انتاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی

ح - استفاده از نشان و مدال‌های دولتی و عناوین افتخاری

۳- شرایط اعاده حیثیت (اعاده حقوق اجتماعی به محکوم)

مهمترین اثر تبعی محکومیت‌های مندرج در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی، محرومیت شخص از پاره ای از حقوق اجتماعی است اما این محرومیت دائمی نیست و پس از سپری شدن مدتهای تعیین شده، این اثر (مجازات تبعی) رفع می‌گردد و از آن پس برخورد نظام عدالت کیفری با چنین شخصی، همچون یک شهروند عادی است که صاحب حیثیت است و حق استیفای دوباره حقوق مدنی و اجتماعی به او باز می‌گردد و اصطلاحاً می‌گوییم که به اعاده حیثیت نایل آمده است ولی ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی گذشته از آن که عنوان اعاده حیثیت را به کار نبرده به همه آثار اعاده حیثیت هم تصریح نکرده است. به عبارتی باید گفت که ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی تنها گامی کوتاه در مسیر اعاده حیثیت به محکوم پیموده است که فقط به یکی از مهمترین آثار اعاده حیثیتی یعنی رفع اثر از محکومیت و اعاده حقوق سلب شده اجتماعی به شخص اشاره می‌کند. از این رو اگر گفته شود ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی تنها به اعاده حقوق سیاسی و اجتماعی فرمان می‌دهد یا به عبارت بهتر مربوط به اعاده برخی از حقوق اجتماعی و سیاسی به محکومان خاص است، سخنی به گزاف نگفته ایم.

اما اعاده حیثیت و یا به عبارت دیگر اعاده حقوق مدنی و اجتماعی منوط به تحقق شرایطی است که آن را مختصراً بررسی می‌کنیم.

الف- اجرای مجازات

اولین شرط اعاده حیثیت و یا به عبارت دیگر اعاده حقوق اجتماعی سلب شده، اجرای حکم محکومیت است. بنابراین محکومی که حکم محکومیت در مورد او به دلایلی چون فرار از چنگ دستگاه عدالت و ... اجرا نشده است به اعاده حیثیت نایل نخواهد آمد تا آنکه به اجرای مجازات تکمیل کند .

پس مرور زمان اجرای مجازات موجب اعاده حقوق مدنی و اجتماعی نخواهد شد. وفق ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ ، از شرایط اعاده حیثیت، اجرای مجازات یا شمول مرور زمان بود و مرور زمان از آثاری مشابه اجرا و اتمام مجازات برخوردار بود ولی در حال حاضر با عنایت به صراحت ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی اجرای حکم در مورد محکومیت های پیش بینی شده در آن ماده ضروری است و مرور زمان به منزله اجرای حکم محکوم نیست. قانونین آیین دادرسی کیفری نیز در ماده ۱۷۴ مرور زمان را تنها در مورد جرایم مستحق مجازات بازدارنده، و اقدامات تأمینی و تربیتی، پیش بینی کرده و حکم خود را شامل جرائم مستحق حد یا مجازاتهای تعزیری نکرده است.

در مورد جرائمی که قابل گذشت اند، اگر شاکی از شکایت خود عدول نموده و گذشت کند و در نتیجه آن با نظر قاضی اجرای محکومیت متوقف شود، آثار محکومیت کیفری زایل شده و شخص می تواند از اعاده حیثیت برخوردار شود (تبصره ۳ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی) و در موردی اگر به رغم گذشت شاکی، دادگاه فقط در میزان مجازات مرتکب جرم تخفیف داد همچنان که برخی از حقوق دانان نیز گفته اند (حبیب زاده و بابایی، ۱۳۸۲: ۲۲) - باید بر این باور بود که به استناد ملاک مقرر در تبصره ۳ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی که توقف اجرای مجازات است. با اتمام مجازات، شخص فوراً به اعاده حیثیت نایل خواهد آمد.

عفو عمومی کلی نیز باعث القای محکومیت کیفری از سجل کیفری و محو آثار آن است و در نتیجه شخص به اعاده حیثیت نایل خواهد شد. نظریه اداره حقوقی نیز مقرر می دارد: « عفو عمومی چون به تصویب قوه مقننه می رسد. رافع آثار جرم و محکومیت است...» (نظریه شماره ۷/۸۸۳۱) به نظر می رسد تبصره ۵ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی نیز بر این امر اشعار می دارد، زیرا به موجب آن: «در مواردی که عفو مجازات آثار کیفری را نیز شامل می شود... آثار محکومیت... رفع می گردد» و در نتیجه شخص به اعاده حیثیت نایل می شود. رأی وحدت رویه شماره ۵۹/۲۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز مقرر داشته است: « آثار محکومیت کیفری که شامل مجازات های تبعی نیز می باشد (طبق ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی) با تصویب قانون عفو عمومی زایل می گردد...» (مجموعه آراء وحدت رویه، قربانی، ۱۳۷۳: ۳۳۶) البته وفق ذیل ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، اگر عفو عمومی جزئی بود، آثار کیفری باقی می ماند ولی به نظر می رسد در حال حاضر در صورت وقوع عفو عمومی جزئی، قواعد معمول مربوط به اعاده حیثیت اعمال می شود؛ یعنی اگر با عفو بخشی از مجازات محکومیت شخص بیش از سه سال باشد، شخص برای دو سال از حقوق اجتماعی محروم می ماند و پس از گذشت مدت مقرر (دوسال) شخص به اعاده حیثیت نایل می آید.

عفو خصوصی، وفق بند یازدهم اصل ۱۱۰ و ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی، پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است و اعطای آن متعاقب صدور حکم محکومیت قطعی کیفری است.

۱ ماده ۱۷۴: در موارد مذکور در ماده قبل (۱۷۳) هرگاه حکم صادر گردید ولی اجرا نشده باشد پس از انقضای مواد مقرر در همان ماده از تاریخ قطعیت حکم اجرائی آن موقوف می گردد و در هر حال آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد بود.

که می تواند تمام یا بخشی از مجازات را ساقط کند. در این نوع از عفو، آثار تبعی محکومیت کیفری (مجازات تبعی) زایل نمی شود.^۱ و فقط پس از سپری شدن مدت زمان پیش بینی شده در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی از زمان آزادی، شخص به اعاده حیثیت نایل میشود اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مقرر می دارد: «...سایر عفوها (در مقابل عفو عام) فقط اجرای حکم را موقوف می کند اما آثار محکومیت به حال خود باقی است. بنابراین چنانچه محکومانی قبل از اتمام مجازات مشمول عفو از زندان آزاد شده اند، عفو آنان رافع آثار تبعی ناشی از ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی نخواهد شد و لذا به این دسته از محکومان تا انقضای مواعد مندرج در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی یاد شده و اعاده حیثیت نباید گواهی عدم سوء پیشینه داد...» (نظریه شماره ۷/۸۸۳۱).

در تبصره ۲ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی، قانون گذار یک حکم استثنایی پیش بینی نموده است: « چنان چه اجرای مجازات اعدام به جهتی از جهات متوقف شود، در این صورت آثار تبعی آن پس از انقضای هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم رفع می شود» مطابق این تبصره چنان چه مجازات اعدام به هر دلیل قانونی متوقف شود، اعم از آنکه مجازات دیگری مثل حبس تعزیری مورد حکم قرار گیرد یا نه، محکوم به مدت هفت سال از حقوق اجتماعی محروم می شود و پس از آن به اعاده حیثیت نایل می آید. اگرچه حکم مزبور مبهم است ولی به نظر می رسد مجازات اعدام مورد نظر، شامل حد قتل نیست و باید آن را به مجازات تعزیری اعدام (که می تواند با فرمان عفو نیز اجرای آن متوقف شود) و یا مجازات قصاص نفس (که با گذشت اولیای دم اجرای آن متوقف می شود) محصور کرد.

ب- انقضای مواعدی معین

اعاده حیثیت به محکوم منوط به سپری شدن مدت زمان معینی پس از اجرای محکومیت است. این مدت را که ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی پیش بینی کرده است. نسبت به محکومیت های مختلف متفاوت است. کوتاهترین زمان لازم برای اعاده حقوق اجتماعی سلب شده یک سال و طولانی ترین آن هفت سال است که نوع محکومیت زمان لازم را مشخص می کند. این موارد عبارتند از:

-در محکومیت های به هرگونه مجازات شلاق در جرائم مستحق حد همچون حد قذف، حد شرب خمر، حدزنا، حد مسامقه، حد تخفیف و حد قوادی انقضای یکسال بعد از اجرای حکم؛

-در محکومیت به مجازات حدی قطع عضو در حد محاربه و سرقت انقضای پنج سال پس از اجرای حکم؛

-در مورد محکومیت به مجازات اعدام که اجرای آن به هر دلیل قانونی متوقف شده است. انقضای هفت سال پس از اجرای حکم؛

-در محکومیت به مجازات حبس تعزیری بیش از سه سال در جرایم عمدی مثل محکومیت به مجازات پنج سال حبس در آدم ربایی، انقضای دو سال پس از اجرای حکم.

-در مورد آزادی مشروط، مدت مزبور به تصریح تبصره ۵ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی از زمان آزادی محکوم محاسبه می شود. به عنوان مثال، شخصی که به علت ارتکاب جرم آدم ربایی به پنج سال حبس محکوم و پس از گذشت سی ماه از آزادی مشروط برخوردار شده است. اعاده حیثیت به وی پس از گذشت دو سال از زمان آزادی او محاسبه می شود و نه زمانی که محکومیت وی پایان می یابد.

-در عفو خصوصی به تصریح تبصره ۴ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی آثار تبعی محکومیت های مقرر زایل نمی شود و اگر چه ماده مزبور صراحتی ندارد ولی با توجه به توقف اجرای مجازات پس از اعطای عفو، به نظر می رسد به استناد ملاک

^۱ طبق نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه: «عفوی که از طرف مقام رهبری داده می شود. عفو خصوصی است و تأثیر در مجازات های تبعی و تکمیلی ندارد» (نظریه شماره ۷/۴۷۲۱).

مقرر در تبصره ۳ و ۵ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی، زمان لازم برای اعطای اعاده حیثیت به محکوم در هر مورد از زمان آزادی یا توقف اجرای حکم در مورد محکوم محاسبه می شود؛ اگر چه شایسته است قانون به این موارد تصریح کند.

ج - عدم ارتکاب جرم جدید

به اتکای فلسفه وضع قاعده اعاده حیثیت، برخوردار کردن اشخاصی که مرتکب رفتارهای مجرمانه مهم و موهن شده اند از اعاده حیثیت به معنای صرف نظر کردن جامعه از گذشته شخص و اعمال مهربانی و اغماض در مورد محکوم به امید گام نهادن شخص در مسیر نیکی و پرهیز از بدی است که از نشانه های این امیدواری عد ارتکاب جرم جدید است. از این رو ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی سابق یکی از شرایط اعاده حیثیت را عدم ارتکاب جرم جدید از ناحیه محکوم مقرر کرده بود. اما ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی از توجه به این شرط مهم غفلت کرده و این سوال را مطرح ساخته است که اگر شخصی به خاطر ارتکاب جرمی (مانند جعل یا کلاهبرداری) محکوم و به مجازاتی (مثلاً هف سال حبس) محکوم شده چنان چه پس از آن و در مدت پیش بینی شده پس از اجرای حکم (مثلاً یکسال پس از اجرای حکم محکومیت) مرتکب جرم جدیدی شد که منتهی به محکومیت های پیش بینی شده در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی نبوده (مثلاً محکومیت به مجازات قطع عضو یا حبس تعزیری کمتر از سه سال) آیا می تواند به اعاده حیثیت نایل آید؟

در جواب به سوال بالا باید گفت : ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی در این مورد شرطی را مقرر نکرده است و بنابراین چنانچه محکومیت جدید جزء محکومیت های مقرر در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی باشد، مدت سپری شده محکومیت سابق منتفی شده و محکومیت جدید او مد نظر قرار می گیرد. بدیهی است چنان چه محکومیت جدید به خاطر ارتکاب جرمی نباشد که در بندهای سه گانه ماده مزبور پیش بین شده انقضای مدت های معین شده پس از اجرای حکم محکومیت قبلی، شخص را مستحق اعاده حیثیت می کند و لی شایسته است قانون گذار در اصلاح بعدی قانون مجازات اسلامی این موضوع را مد نظر قرار دهد.

آثار

با نیل شخص به اعاده حیثیت مقرر در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی آثاری به شرح زیر محقق می شود :

الف - محو محکومیت کیفری از سجل قضایی شخص : این اثر از ظاهر ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته است : [از] محکومیت قطعی کیفری ... رفع اثر میگردد. استنباط می شود بنابراین به هنگام صدور گواهی عدم سوء پیشینه کیفری نباید محکومیت کیفری قبلی شخص ذکر گردد. به عبارت دیگر شخصی که به اعاده حیثیت نایل می آید همچون یک فرد ناکرده بزه محسوب می شود.

ب- اعاده حقوق اجتماعی سلب شده : ارتکاب پاره ای از جرایم چنان چه به محکومیت های مندرج در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی منتهی شود. شخص را از پاره ای حقوق اجتماعی که در ماده مزبور مقرر شده است. محروم می کند اما با اجرای حکم محکومیت و انقضای مواعد پیش بینی شده در قانون، حقوق اجتماعی سلب شده به شخص اعاده می شود و بنابراین وی اصولاً باید بتواند به مشاغلی که اشتغال به آن از او سلب شده مشغول شود. مثلاً بتواند عضو هیأت امنای یک موسسه آموزشی شود یا به عنوان داور انتخاب شود یا آن که از عناوین افتخاری خود بهره مند گردد یا در موسسات دولتی استخدام شود.

با وجود این برخی از مقررات پراکنده مربوط به مشاغل ویژه ای چون وکالت یا سردفتری اسناد رسمی، در این مورد احکام ویژه ای را مقرر کرده اند که می تواند در پاره ای از موارد موجبات تضييع حقوق افراد را فراهم کند و شایسته است قوانین مربوط

به نحوی تنظیم گردند که انسجام در سیاست جنایی را مشخص سازند، مثلاً به موجب ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی شود .

-محکومان به جنحه هایی که نافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون^۱ (بند ۶ ماده مزبور) -کسانی که صرفاً به اتهام ارتکاب جنایت یا جنحه های مذکور در ماده تحت محاکمه هستند (بند ۷ از ماده ذکر شده).
همین طور طبق بند ۴ ماده ۱۲ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتر باران، وضعیت مشابهی برای تصدی سمت سردفتری و دفتر یاری اسناد رسمی پیش بینی شده است. در حالی که طبق ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی، تنها محکومیت قطعی به پاره ای از جرایم موجب محرومیت از برخی حقوق اجتماعی است نه همه محکومیت ها و نه صرفاً اتهام. موضوع دیگری که قابل طرح است این که فقط محکومیت های مندرج در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی شخصی را از حقوق اجتماعی محروم می کند و پس از اجرای حکم و انقضای مدت تعیین شده، شخص به اعاده حیثیت نایل می شود بنابراین به نظر می رسد در مورد سایر محکومیت ها،همین که شخص مجازات و محکومیت را تحمل کرد. اصولاً فوراً به اعاده حیثیت نایل می آید با وجود این ماده ۱۷۴ ق. آ. د. ک ابهام را در این مورد دامن زده است، زیرا ماده ۱۷۴ اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر داشته است: «... اجرای آن (حکم) موقوف می گردد و در هر حال آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد بود»

نتیجه گیری:

از بررسی ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی به دست آمد

- ۱- تنها برخی از محکومیت های کیفری منجر به محرومیت های شخص از پاره ای حقوق اجتماعی خواهد شد. محکومیت های مزبور عمدتاً برخی از مجازات های حدی و حبس تعزیری است، به نظر می رسد حصر محکومیت های کیفری به موارد مزبور به منطوق روشن و استواری متکی نیست و پاره ای از محکومیت های دیگر خصوصاً محکومیت های مربوط به جرایم مستحق مجازات های بازدارنده نیز می تواند واجد آثار تبعی باشد و شایسته است حکم قانون از این جهت اصلاح شود.
- ۲- اقدام قانون گذار در معرفی مصادیق تمثیلی محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان اثر تبعی محکومیت کیفری، نه تأمین کننده اصل قانونی بودن مجازات است و نه منطبق بر عدالت و واقعیت های عملی زندگی اجتماعی .
- ۳- محرومیت از حقوق اجتماعی به جرایم مصرح در ماده ۶۲ مکرر و قانون مجازات اسلامی محدود است و نمی توان به استناد قانون تعریف محکومیت های مؤثر آنرا به سایر محکومیت های ذکر شده در قانون تعریف محکومیت های مؤثر توسعه داد.
- ۴- تصویب ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی گامی ناقص در راه اعاده حیثیت است. اگر راه اعاده حیثیت دو منزل دارد ماده مزبور تنها به یک منزل آن رهنمون می کند و آن اعاده حقوق مدنی و اجتماعی سلب شده از محکوم به وی است که پس از اجرای حکم محکومیت و انقضای مواعیدی معین محقق می شود.
- ۵- شایسته است قانونگذار در مورد اعاده حیثیت به محکوم، به سایر محکومیت هایی که در ماده ۶۲ مکرر اسمی از آنها برده نشده است، تصریح کند و اجرای محکومیت ، مرور زمان، اعطای عفو ، آزادی مشروط و گذشت شاکی خصوصی و توقف اجرای مجازات را موجب نیل شخص به اعاده حیثیت قلمداد کند تا در نتیجه محکوم بتواند از کلیه حقوق اجتماعی خود همچون سایر شهروندان برخوردار شود.
- ۶- سزاوار است مقررات جامعی وضع شود تا وفق آن به محض اعاده حیثیت به محکوم و با اعلام آن از سوی مرجع صلاحیت داری معین، شخص بتواند همانند سایر شهروندان کلیه حقوق اجتماعی خود (از جمله اشتغال به مشاغل دولتی یا غیر دولتی) را استیفا کند و گزینش و جذب آنها به مشاغل مزبور به اتکای گزارشات غیررسمی، با مشکلات حیثیتی و اداری مواجه نشود.

^۱ ممکن است گفته شود این موارد عموماً بر مصادیقی قابل انطباق است که شخص به اعاده حیثیت نایل نیامده است.

۷- شایسته است در خصوص محکومیت های مربوط به جرایم سیاسی و مطبوعاتی ، مقررات ارفاق آمیزی در مورد اعاده حیثیت پیش بینی شود.

۸- در مواردی که به رغم اجرای محکومیت و انقضای مدت زمان معینی پس از آن، حسب گزارشهای مرجع صلاحیت دار، اعطای اعاده حیثیت به لحاظ حالت خطرناک محکوم و عدم اصلاح وی، به مصلحت و مناسب نباشد.

۹- اعاده حیثیت به محکوم، نیازمند اجرای یک برنامه بازپروری و اعاده حیثیت است که با هدف ترمیم شخصیت اجتماعی و تمهید حضور موفق شخص در جامعه و چگونگی استیفای حقوق اجتماعی وی اجرا می شود. بنابراین به نظر می رسد اعاده حیثیت به محکوم و باز دریافت حقوق اجتماعی پیش از آنکه نیازمند تنظیم قواعد حقوقی باشد به اجرای برنامه های آموزشی و حمایتی اعاده حیثیت نیاز دارد که سازمانهای صلاحیت دار قوه قضائیه چون سازمان زندانها باید با مدد گرفتن از کارشناسان خبره متعهد به اجرای آن شوند.

مراجع

- ۱- اردبیلی، محمد، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم: ۱۳۸۲.
 - ۲- حبیب زاده، محمد جعفر و بابایی، محمدعلی، «اعاده حیثیت» مجله دادرسی، شماره ۴۱، ۱۳۸۲.
 - ۳- ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، فرهنگ حقوقی دو زبانه، ۱۳۸۳.
 - ۴- سامی التبراوی، محمد، شرح الاحکام العامه، بنگازی، چاپ سوم، ۱۹۹۵ م.
 - ۵- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنائی، ج ۲، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول: ۱۳۶۸.
 - ۶- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم: ۱۳۸۳.
 - ۷- معینی، حسین. «اعاده حیثیت»، مجموعه حقوقی، سال دهم، شماره ۴.
- 8- Campbell , Henry Black, Black's Law Dictionary U.S.A , west publishing Co. 6th defensible practice, psychology , crime and Law, 2004, vol 10 (3).